

بر عجب بود و انفسم در آنچه شده است خود عارضم
 مرا بشد اسرار آن کس عیان در عالم در اول بدان
 ز حق کشف این علم همی که اندم نه بود نه گوئی
 نمودم که اندیشه بر شما که دیوانه بخوانید و مرید را
 شمار آید من بر سر بدان چه فریدم انون خبر
 که بود و سید و خواستید بود در آن تا قامت بغیر و شود
 بدان عزیز است در نون جواس زینش فاسد در سخن
 بنف دل عیان از انبیا بجز صاحب سیر و دین و سما
 که کجیم تعلیم بر کج من علم داد همه علم خود را
 منم عارف از فوق و درین منم واقف از کج منم بین
 بدانم هر آنچه در اعجاز است عیان تا بشدم آنچه در کت
 ز علم احاطه در این علوم نه از علم اخبار و علم رسوم

فیم بار

قسم باد بر رب عمرش عظیم خداوند بکنار و حق در حیم
 که که خواهم انکون شمار اخیر و هم از هم رفتن کان پیرا
 که که جمله بیوند از که بدند کجا بند و انکون نور چرا بندند
 چه بسیار اس از شمار اخیر خورد غم و در شنید را از چشم
 و حال آنکه بیوسته که با زبان زار بر آینه است متناقض در سید و را
 شد کشف اگر بر شمار از چه زنده بود و کج اول آنچه بود
 بود نیز در آخر آنچه مرا هر آینه ظاهر شد از کج شمار
 بر از عظیماست سنعضلات بر از امورات مستعجابات
 شمار اصنایع نمود در زمان احاطات بر جمیع کس عیان
 همان نوع اول بر در علم که من صاحب خلق اول پیام
 زین گفته طوفان اول کج کج زین کرده طوفان دوم خود کج
 زین گفته کج اول کج کج منم صاحب عباد در جنات و سما

Copyright © King Saud University